

A Jurisprudential Examination of Security Deposits for Future Debts¹

Mehdi Miri¹  Farzaneh Karami²  Mohammad Yousuf Naseri Foroghi³ 

1. Ph.D. student in Private Law, Islamic Azad Razavi University, Mashhad Branch, Iran.

Email: mirimahdi276@gmail.com

2. Ph.D. graduate in Private Law, Teacher at Islamic Seminary and University, Mashhad, Iran (Corresponding author).

Email: F_karami91@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Administrative Sciences, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

Email: naseri@iaubir.ac.ir



Abstract

One of the necessary conditions for the validity of a mortgage contract is the existence of a right or at least the existence of a cause leading to a right. Based on this, providing security deposit for a debt that will arise in the future, such as a loan to be received in the future, is contentious, and renowned jurists do not accept this type of security deposit. The main issue is whether the view on the invalidity of providing security deposit for future debts is based on established and irrefutable evidence, or if there is room for questioning the validity of those arguments. Furthermore, considering the dependency of the security deposit on the debt, the existence of a debt is necessary for the creation of a security deposit. Studies indicate that there are two main perspectives in this regard: the first perspective confirms the invalidity of providing security deposit for

1. **Cite this article:** Miri, M., Karami, F., & Naseri Foroghi, M. Y. (2024). A Jurisprudential Examination of Security Deposits for Future Debt. *Journal of Fiqh*, 31(117), pp. 104-136. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67715.2731>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**01/12/2023 • **Revised:**14/03/2024 • **Accepted:**18/03/2024 • **Published online:**21/07/2024

© The Authors



future debts, while the second perspective adheres to the principle of security deposit for future debts and considers it valid. In civil law, there is also no explicit clarity on this issue. Judicial practice also does not accept security deposit for future debts by adhering to the opinions of most jurists. After critically examining the arguments and evidence, the research concluded, using a descriptive-analytical approach, that since the goal of law is to preserve social order and justice, it must align with contemporary social needs. Therefore, in the context of security deposit, considering their credibility, customary practices, and rationality, there is no justification for requiring proof of the debt. This issue falls under general principles and applications of contracts. Therefore, security deposit for future debts, where justified, is considered a valid principle in the legal system based on the mutual consent of the parties involved. Because individuals need security deposit for their transactions in their business relationships to ensure peace of mind. This not only maintains contractual balance and stability but also enhances investor confidence.

۱۰۵
فقه

واکاوی فقهی - حقوقی و بیمه‌گذاری برای دیون آینده

Keywords

Security deposit, future debts, mortgage contract, Guarantee for what is not obligatory.

واکاوی فقهی-حقوقی وثیقه‌گذاری برای دیون آینده^۱

ID مهدی میری^۱
ID فرزانه کرمی^۲
ID محمدیوسف ناصری فورگ^۳

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

mirimahdi276@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری، حقوق خصوصی و مدرس حوزه و دانشگاه، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

F_karami91@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

naseri@iaubir.ac.ir



چکیده

یکی از شرایط لازم برای صحت عقد رهن، وجود حق یا دست کم وجود سبب حق است؛ براین اساس وثیقه‌گذاری برای دینی که در آینده خواهد آمد، مانند وامی که در آینده دریافت خواهد شد، مورد اختلاف قرار می‌گیرد و مشهور فقیهان این نوع وثیقه را نمی‌پذیرند. مسئله اصلی این است که دیدگاه بطلان وثیقه‌گذاری برای دیون آینده، بر ادله مسلم و انکارناپذیری مبتنی است یا اینکه امکان خدشه در ادله آنها وجود دارد. افزون‌براین با توجه به تبعی بودن وثیقه نسبت به دین، وجود دین در ایجاد وثیقه ضروری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این زمینه دو دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاه اول، بطلان وثیقه‌گذاری برای دیون آینده را تأیید می‌کند؛ درحالی که دیدگاه دوم به اصل وثیقه‌گذاری دیون آینده پایبند است و آن را صحیح می‌داند. در قانون مدنی هم صراحتی در این مسئله وجود ندارد. رویه قضایی نیز با تبعیت از مشهور فقیهان وثیقه‌گذاری برای دیون آینده را نمی‌پذیرد. پس از نقد و بررسی ادله

۱. **استناد به این مقاله:** میری، مهدی؛ کرمی، فرزانه و ناصری فورگ، محمدیوسف. (۱۴۰۳). واکاوی فقهی-حقوقی وثیقه‌گذاری برای دیون آینده، فقه، ۳۱(۱۱۷)، صص ۱۰۴-۱۳۶.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.67959.2745>

* نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
 □ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱



دیدگاه‌های موجود نتیجه پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی این بود که چون هدف حقوق، حفظ نظم و عدالت اجتماعی است و باید با ضرورت‌های اجتماعی امروزی همراه باشد، در وثیقه نیز با توجه به اعتباری و عرفی و عقلایی بودن آن، دلیلی بر اشتراط ثبوت دین وجود ندارد و این مسئله مشمول عموماً و اطلاعات عقود می‌شود؛ از این رو وثیقه‌گذاری برای دیون آینده که مقتضی آن موجود است، براساس حاکمیت اراده دوطرف به عنوان یک ضابطه صحیح در نظام حقوقی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا اشخاص برای اطمینان خاطر از معاملات خود، به وثیقه در روابط معاملاتی خود نیاز دارند. این امر، افزون بر حفظ تعادل قراردادی و ثبات قراردادی، انگیزه سرمایه‌گذار را بیشتر می‌کند.

کلیدواژه‌ها

وثیقه‌گذاری، دیون آینده، عقد رهن، ضمان ما لم یجب.

مقدمه

با اخذ ملاک از ماده ۶۹۱ قانون مدنی، یکی از شرایط صحت عقد رهن، موجود بودن حق یا موجود بودن سبب آن است. منطبق بر این امر، دادن رهن برای دین آینده باطل است؛ مگر اینکه سبب آن موجود باشد؛ برای مثال دادن رهن برای وامی در آینده یا ثمن معامله‌ای در آینده، بر این ماده باطل منطبق است. مبتنی بر این مسئله بسیاری از فقیهان و حقوقدانان، بلکه رویه قضایی وثیقه‌گذاری برای دیون آینده را باطل دانسته، برای اثبات آن به دلایل متعددی تمسک کرده‌اند. مسئله پژوهش حاضر این است که آیا در حقیقت وثیقه‌گذاری برای دیون آینده مبتنی بر ادله انکارناپذیری است یا اینکه مبانی یادشده قابل خدشه‌اند و می‌توان راهی بر تصحیح این نوع از توثیق‌ها ارائه کرد. ابهام‌های دیگری نیز در این باره وجود دارد؛ مانند اینکه با عنایت به تبعی بودن جایگاه وثیقه نسبت به دین، آیا وجود دین در ایجاد وثیقه شرط نیست. این پژوهش در پی آن است تا با رویکردی انتقادی نسبت به دیدگاه بطلان که مشهور فقیهان به آن قائل‌اند، در مقام پاسخ به ادله ایشان برآمده و دیدگاهی ضابطه‌مند و کاربردی ارائه کند تا در مقام تحقیق و تقنین و قضاوت مورد استفاده نویسندگان، پژوهشگران، قانونگذاران و محاکم و قضات قرار گیرد. اهمیت و ضرورت این بحث با توجه به خلأ قانونی در این است که در معاملات و قراردادهای متعدد امروزی مشاهده می‌شود که پیش از قرارداد دوطرف از یکدیگر وثیقه‌هایی جهت اطمینان از اجرای پروژه می‌گیرند تا در آینده مورد استفاده و استناد قرار دهند.

بررسی پیشینه این پژوهش وجود پیشینه مستقلی با رویکرد تطبیقی را نشان نمی‌دهد، جز برخی پژوهش‌های ذیل که به اختصار موضوع را بررسی کرده‌اند؛ از جمله:

پایان‌نامه «بررسی رهن مال آینده در حقوق موضوعه» (حسین حکیمی، ۱۳۹۶) و «نظریه وثیق عینی در فقه امامیه و حقوق ایران» (محمد محلی، ۱۳۹۶) این مسئله را به اختصار در فقه و حقوق موضوعه مورد بحث قرار داده‌اند؛ همچنین مقاله «موضع نظام فقهی و حقوق کنونی در مورد رهن و رهن اموال آینده» (آزاده عبدی‌فرد، سومین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روان‌شناسی و مشاوره، ۱۳۹۹)، مباحثی از شروط رهن را بررسی کرده است؛ ولی تحلیلی درباره رهن مال آینده نداشته است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی و

تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی، حقوق ایران و رویه قضایی به ادله و مبانی دیدگاه‌ها پرداخته است تا در سنجه تحلیل به دیدگاه صحیح در این زمینه دست یابد و به ارائه مقرر قانونی کاربردی در این زمینه در جهت حل مشکلات و بهبود بازار منجر شود.

۱. مفهوم‌شناسی مبانی نظری پژوهش

۱-۱. توثیق (وثیقه‌گذاری)

در لغت، توثیق به معنای عهد کردن، ایجاد اطمینان و استواری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۱۳). تعبیر «وَتُوثِقُ شَيْئاً تَوْثِيقًا» به معنای این است که چیزی را به صورت کامل استوار کرد یا مورد اطمینان قرار داد.

در اصطلاح، توثیق به معنای مجموع وسائلی است که در صورت تعدر مدیون از پرداخت دین به استیفای دین منجر شده یا در فرض انکار دین، وجود آن را اثبات خواهد کرد. وسایل توثیق دو قسم است؛ اول وسایلی که موجب اطمینان برای پرداخت دین می‌شوند و شامل عقود رهن، ضمان و کفالت می‌شوند؛ دوم وسایلی که مثبت حق و دین هستند؛ مانند شهادت و کتابت (الهلل، ۲۰۰۱م، ص ۲۲).

معمولاً در متون فقهی امامیه واژه توثیق در معنای اثباتی، در ارتباط با راویان احادیث مورد استناد قرار گرفته است و دلالت بر مورد اعتماد بودن راوی مزبور است (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۶؛ عمانی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۱). اگرچه در برخی موارد این واژه در معنای ثبوتی و اطمینان‌آورشدن به کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۰۸؛ محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۲۵۴).

۱-۲. مفهوم دیون

دین که جمع آن دیون است، در لغت به معنای قرض دارای مدت معین تعریف شده است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۲). برخی دیگر دین را همان قرض و ثمن میبایع می‌دانند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۵). برخی از فقیهان گفته‌اند هر چیزی که در ذمه ثابت باشد، دین است؛ اعم از اینکه سبب آن قرض، بیع، اتلاف، نذر یا حکم شرعی همچون وجوب نماز باشد

(خوانساری، ۱۳۱۱، ص ۴۳۴؛ آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲)؛ از این رو مطابق این دیدگاه بر واجبات مالی الهی و حق الله نیز می توان دین اطلاق کرد؛ به بیان دیگر هرگونه حقی (خواه حق الله باشد یا حق الناس) که به سبب آن ذمه انسان مشغول شود، دین است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۶). در معنای خاص دین را به هر مال کلی ثابت در ذمه تفسیر کرده اند (سبزواری، بی تا، ص ۳۵۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۷۱، ص ۶۵؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۱).

۳-۱. دین محتمل (آینده)

این نوع دین، به دینی تعبیر می شود که سبب وجود آن هنوز تحقق نیافته است؛ مانند رهن گرفتن در برابر دینی که در آینده به ذمه راهن وارد می شود یا دریافت ثمن از مشتری در برابر مبیعی که در آینده آن را خریداری می کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۳). در تحلیلی دیگر گفته اند دین محتمل، دینی است که به دلیل نبود اسباب یا شرایط یا وجود یکسری موانع، تحقق آن کامل نشده است؛ از این رو امکان دارد مقتضی دین به عنوان سبب وجودی آن تحقق یابد؛ اما هنوز شرایط تحقق دین کامل نشده باشد یا به رغم وجود مقتضی و شرایط، وجود موانع تحقق دین را با مشکل روبرو ساخته باشد؛ بنابراین حق مزبور احتمالی است؛ یعنی به دلیل نبود یکی از عناصر وجودی اش موجود نیست و به همین دلیل متمایز با حق مشروط است؛ زیرا شرط امری عارضی محسوب می گردد و از سوی دیگر تحقق شرط مشروط، واجد اثر رجعی است که به گذشته سرایت می کند، برخلاف حق احتمالی که با تکمیل تمامی عناصر آن محقق شده و دارای اثر رجعی نیست (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰).

۲. دیدگاهها و مبانی موجود در فقه امامیه

در این بحث دیدگاهها، مبانی و ادله مربوط در فقه امامیه بررسی می گردد. در میان فقیهان امامیه دو دیدگاه وجود دارد:

۱-۲. بطلان توثیق دیون آینده

بسیاری از فقیهان امامیه عقیده دارند که رهن دین آینده صحیح نسیت و اعتباری

ندارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۸؛ حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۲؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۱۷؛ کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۲۸۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۹؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۸۷؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹۰؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۵۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۸۹).

۲-۱-۱. تبیین دلایل دیدگاه بطلان توثیق دیون آینده

۲-۱-۱-۱. اجماع

یکی از دلایل عدم صحت رهن بر دین آینده، اجماع فقیهان امامیه است؛ براساس این ادعا تمامی فقیهان متعرض این مسئله شده و در این دیدگاه متفق القول اند (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۷۶). البته برخی فقیهان از تعبیر بلاخلاف اجده استفاده کرده‌اند که از ادعای عدم خلاف ضعیف‌تر است و معنای آن این است که فقیه مزبور تحقیق و تفحص کامل نکرده است؛ اما به مقداری که بررسی کرده مخالفی در مسئله نیافته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۳).

۲-۱-۱-۲. تأخر مسبب از سبب

پذیرش دیدگاه صحت، موجب تأخر مسبب از سبب یا منشأ از انشاء می‌شود؛ زیرا پس از وجود دین، اثر توثیقی عقد ایجاد می‌شود و لازمه صحت عقد ترتب اثر از زمان انعقاد است و تأخر مسبب از سبب واضح البطلان است؛ همچنین اگر در عقد رهن گفته شود خانه‌ام را امروز به رهن می‌گذارم برای اینکه فردا ۵۰۰ میلیون به من قرض بدهی، این نوع شروط که موجب می‌شود مقتضای عقد مزبور با تأخیر رخ دهد و به تبع آن انشای عقد رهن که باید صریح و با لفظ ماضی بوده و بالفعل و در زمان حال رخ دهد، صحیح نیست؛ از این رو عقد رهن واقع نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۳).

۳-۱-۱-۲. عدم صدق رهن

اگر در این نگاه برای دین آینده، مالی به رهن گذارده شود و به تعبیر بهتر منشأ قرارداد رهن فعلی باشد، نه اینکه منظور دوطرف تحقق رهن پس از پدید آمدن دین باشد، قرارداد را از قالب عقد رهن خارج می‌کند و به چنین قراردادی درحقیقت نمی‌توان اطلاق رهن کرد؛ زیرا حقیقت رهن یعنی اخذ وثیقه برای دینی که بر ذمه مدیون ثابت است، در فرض یادشده وجود ندارد؛ از این رو عقد رهنی ایجاد نشده است (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۷۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۸۹). برخی در تعلیل بر این مسئله این گونه بیان داشته‌اند که با توجه به ظواهر ادله، رهن نوعی وثیقه بر حق مرتهن است و قبل از به وجود آمدن آن حق، مفهوم رهن قابل تصور نیست؛ همچنین در صورتی عنوان رهن به آن اطلاق می‌شود که براساس دین باشد و توافق دوطرف مشمول عموماً صحت نخواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۴۳)؛ به عبارت دیگر حقیقت حبسی رهن که از آن به گرو گرفتن تعبیر می‌شود، تنها زمانی محقق می‌شود که دینی مشخص و موجود وجود داشته باشد (عراقی، ۱۳۸۶، ص ۶۱).

۴-۱-۱-۲. ظهور عموماً ادله و نصوص باب رهن در تعقب رهن از حق و دین

ظهور اطلاقات و عموماً فراوان در مورد رهن^۱ دلالت بر این دارد که رهن باید متعاقب و متأخر از حق یعنی دین باشد تا اینکه وثیقه گرفتن مرتهن نسبت به اموالش صدق نماید (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۷۱).

۲-۱-۲. تحلیل و بررسی دلایل بر بطلان

نسبت به دلیل اجماع باید بیان شود که اجماع مزبور فاقد اعتبار است؛ زیرا بررسی متون فقهی فقیهان امامیه وجود اختلاف و تشتت آرا در این زمینه را نشان می‌دهد که به

۱. ر. ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۷۹ به بعد. کتاب الرهن، باب جواز الارتهان علی الحق الثابت؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۶۸ به بعد؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۱۷ به بعد. باب جواز الارتهان علی الحق الثابت.

برخی از ایشان در دیدگاه صحت اشاره می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، صص ۱۴۸-۱۵۰؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۷۱). حال با وجود این اختلاف دیدگاه‌ها ادعای اجماع از سوی برخی نمی‌تواند از پشتوانه محکمی برخوردار باشد؛ اما نسبت به ادعای بلاخلاف که برخی فقیهان ادعا کرده‌اند بیان می‌شود در فرض پذیرش این عدم خلاف، صرفاً فقیهانی که این مسئله را بررسی کرده‌اند، به یک نظر قایل‌اند.

نسبت به دلیل دوم نیز بیان می‌شود که قاعده امتناع جدایی سبب از مسبب در علل تامه است. در فرض بحث، چون دین به وجود نیامده است، علت تامه (سبب) نیز وجود ندارد؛ به همین دلیل با نبود سبب، تأخر مسبب امکان‌پذیر نیست؛ از سوی دیگر به محض پیدایش علت تامه (سبب)، یعنی دین، اثر قانونی (مسبب) ظاهر می‌شود (قنواتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۰).

همچنین بر فرض تحقق جدایی سبب از مسبب، صرف غیرعقلایی بودن آن در امور تکوینی موجب تسری آن به امور اعتباری نمی‌شود و در عالم اعتبار نمی‌توان بین سبب و مسبب جدایی افکند؛ بنابراین هر عمل حقوقی که موجب رفع حواجج قراردادی افراد می‌گردد، جز اعمالی که بطلان آنها با دلایل صحیح و قطعی ثابت شده است، دیگر اعمال، مطابق ادله صحت و اعتبار عقود صحیح و معتبر است (شهدی، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

اما در مورد دلیل سوم این گونه می‌توان پاسخ داد که رهن در حقیقت جعل یک عینی به عنوان وثیقه برای یک حق است؛ بدین معنا که عین مرهونه را از ملک خویش خارج نکرده و مرتهن نیز در سررسید دین می‌تواند در فرض عدم وصول طلب خویش حق خود را از محل فروش رهن تحصیل نماید؛ بلکه حقیقت رهن همین معنای دوم یادشده است. البته این مسئله مستلزم اتلاف نشدن مال مرهونه و انتقال نیافتن آن از ملک است (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۷۱). این معنا و توضیحاتی که نسبت به اتلاف نشدن و انتقال نیافتن بیان شد، همگی پیش از تصور حق، یعنی دین تصور شده و مصداق دارد؛ زیرا اگر عین مرهونه قبل از به‌رهن دادن، تلف یا انتقال یابد، دیگر رهن معنایی ندارد و اینکه عین مرهونه تعلق به حق، یعنی طلب مرتهن دارد، به همین معناست؛ همچنان که حق مرتهن (رهانه)، معنایی جز تعلق به عین مرهونه ندارد؛ از این رو

محذور عقلی در رهن قبل از ثبوت حق وجود ندارد (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، صص ۷۱-۷۲)؛ همچنین اطلاق ادله لزوم محافظت از مال که مبنای وجودی توثیق را تشکیل می‌دهند، بر حفاظت از اموالی تأکید می‌کنند که در آینده برای اشخاص به وجود می‌آید.

نکته قابل ملاحظه درباره دلیل چهارم این است که آیه ۲۸۳ سوره بقره و برخی روایت‌ها^۱ هرچند به حالتی اختصاص داده شده که حق، یعنی طلب قبل از رهن ثابت باشد، این مسئله موجب نمی‌شود که آیه و روایت‌های یادشده به حالت ثبوت حق قبل از رهن اختصاص داشته باشد؛ به نحوی که گفته شود دیگر نصوص و اطلاق‌هایی که بر نفوذ مطلق معاملات و صحتشان دلالت دارند، مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مانده، ۱) و «المسلمون عند شروطهم» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۲) به حالت دین قبل از رهن مقید گردند (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۷۲).

۲-۲. صحت وثیقه‌گذاری برای دیون آینده

در مقابل دیدگاه مشهور فقیهان، یعنی بطلان توثیق، برخی بر این باورند که توثیق دیون آینده صحیح است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، صص ۱۴۸-۱۵۰)؛ همچنین در عقد توثیقی ضمان تعدادی از فقیهان با تمسک به نظریه تعلیق یا تقدیر، توثیق نسبت به دین آینده را معتبر شمرده‌اند که با عنایت به یگانگی ماهیت استثنایی دو عقد ضمان و رهن، ملاک این دیدگاه در فرض مسئله مورد پژوهش نیز قابل تطبیق است (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۱۹، ش ۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۴۷). این پژوهش همین دیدگاه را برگزیده است. این دسته از فقیهان افزون بر نقد و بررسی مبانی و ادله نظریه بطلان، نسبت به اثبات صحت وثیقه‌گذاری به موارد ذیل تمسک کرده‌اند:

اولین مبنا را می‌توان نبود دلیل بر اشتراط ثبوت دین در هنگام رهن دانست (اردبیلی،

۱. ر. ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۷۹ به بعد. کتاب الرهن، باب جواز الإرتهان علی الحق الثابت؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۶۸ به بعد؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۱۷ به بعد. باب جواز الإرتهان علی الحق الثابت.

۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۵۰). توجیه نبود دلیل، این گونه توضیح داده می‌شود که عمومات و اطلاعات باب رهن نسبت به شرط ثبوت دین در هنگام رهن تصریحی ندارند و این شرط بر آیه یا روایت خاصی مبتنی نیست؛ بلکه فقیهان با تکیه بر دلایل بیشتر عقلی در توجیه اشتراط مزبور کوشیده‌اند؛ در حالی که در شریعت نسبت به این مسئله نصی وجود ندارد. این نبود منبع نص، می‌تواند دلیل محکمی بر اصل نبود اشتراط ثبوت دین در هنگام رهن باشد.

همچنین به باور برخی نویسندگان با وجود اینکه اصل بر تبعیت و وثیقه‌گذاری از مفهوم دین است؛ با این حال این مسئله را نمی‌توان به معنای اشتراط وجود دین در ایجاد وثیقه دانست؛ بلکه صرف اینکه در هنگام انعقاد عقد توثیقی، دینی فرض شود در تحقق مفهوم وثیقه کافی است و وجود واقعی دین تنها شرط تأثیر توثیق و استفاده از مزایای آن است؛ از این رو وثیقه‌ای که بر دین آینده ناظر است، از حیث اثر معلق یا موقوف است و به محض تحقق دین، آثار آن اعمال می‌شود؛ همچنین در عرف تجاری امروز نیز اخذ وثیقه برای دینی که در آینده پدید می‌آید، منطقی به نظر می‌رسد (محلی، ۱۳۹۶، صص ۱۷۷ و ۱۷۹).

نکته دیگر بررسی این مسئله است که اساساً عدم ردع شارع در مشروعیت یک عمل حقوقی می‌تواند کمک کند یا خیر؟ آیا به واقع شارع حکیم که این حکم را آورده است، فقط برای عقود بوده که زمان شارع متداول بوده است یا ارتکاز چیزهایی را که در آن زمان وجود داشته را هم شامل می‌شود. بی‌گمان فرض صحیح حالت اخیر است. این اصل «اوفوا بالعقود» می‌تواند به عنوان یک قانون که از سوی شارع بیان شده، در طول زمان تا ابد وجود داشته باشد. شارع که اراده‌ماندگاری قوانین و دستورهای شرع را دارد، باید برنامه‌ریزی‌اش به گونه‌ای باشد که پاسخگوی همه مسائل تا ابد باشد؛ به ویژه با انقطاع وحی؛ از این رو حکمت برنامه‌ریزی به این است که اصولی را ایجاد کند که در طول دوران‌ها قابل تمسک باشد. وقتی این اراده‌شارع شد، عقود را که در زمان شارع یا شبه‌اش یا ارتکازش در آن زمان وجود داشته است نیز شامل می‌شود: «اوفوا بالعقود» هر عقدی را که عقلاً عقد و صحیح است شامل می‌شود و در صحت

انتساب همین کفایت می‌کند که شارع ردع نکرده است (درس خارج فقه استاد صانعی (کتاب رهن)، درس ۷۲، ۲۰/۱۰/۱۳۹۹)؛^۱ پس از ذکر این مقدمه این نتیجه حاصل می‌شود که لزوم تداول یک عقد در زمان شارع وجود ندارد و صرف اینکه عقدی بر عموماً و دستورهای کلی شریعت مبتنی بوده و با ضوابط کلی فقه و حقوق اسلامی در تضاد نباشد، معتبر است.

۳. آرای فقیهان اهل سنت در وثیقه‌گذاری برای دیون آینده

فقیهان حنفی معتقدند عقد رهن قبل از ثبوت حق امکان‌پذیر است. از نگاه ایشان وقتی شخصی احتیاج به قرض گرفتن مالی دارد، اما صاحب مال پیش از گرفتن رهن، از قرض دادن به او امتناع می‌کند، دین آینده به منزله دین موجود فرض می‌شود تا راه چاره‌ای برای جواز رهن مزبور باشد و نیاز قرض‌گیرنده مرتفع شود. ایشان دینی را که در شرف وقوع باشد، به منزله موجود می‌گیرند و اگر مال مرهونه در ید مرتهن تلف شود، مرتهن ضامن است؛ زیرا هر چند دین آینده است، به منزله موجود است. نتیجه اینکه ابوحنیفه معتقد است رهن وثیقه حق است و مانند ضمان امکان دارد قبل از ثبوت حق، یعنی دین محقق شود (البابرتی، بی تا (دار الفکر)، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ الحنفی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴؛ الفیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰۲؛ الزبیدی، ۱۳۲۲، ج ۱، ص ۲۲۷؛ السرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۱، ص ۱۷۷؛ أفندی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۱؛ الرافعی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۵۸).

مالکی‌ها همگام با حنفی‌ها به جواز رهن نسبت به دیون آینده قایل‌اند (الدسوقی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۵؛ المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۴۶؛ الرافعی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۵۸؛ وزارة الأوقاف، ۱۴۲۷ق، ج ۲۳، ص ۱۷۸).

اما رویکرد شافعی‌ها به این موضوع، مانند مشهور امامیه بطلان است؛ زیرا به باور ایشان رهن وثیقه حق است و معنا ندارد قبل از ثبوت حق بتوان برای آن وثیقه گرفت؛ مانند شهادت که پیش از تحقق مورد شهادت نمی‌توان به چیزی شهادت داد (الأنصاری،

1. <https://saanei.xyz/?view=01,02,10,2130,0>

۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۵۰؛ النوری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۵۳؛ الرملی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۱؛ المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۴۶). حنبلی‌ها نیز بر همین عقیده‌اند که رهن وثیقه قبل از ثبوت حق، یعنی دین باطل است (الحنبلی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۹؛ المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۴۶؛ البهوتی، بی‌تا، ص ۳۶۴). البته برخی فقیهان حنبلی وثیقه نسبت به دیون آینده را صحیح دانسته‌اند (المقدسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۵). همان‌گونه که بیان شد در فقه مذاهب اربعه اهل سنت مسئله وثیقه نسبت به دیون آینده با اختلاف همراه بود و برخی مذاهب با تمسک به دیدگاه تعلیق یا تقدیر، توثیق نسبت به دین آینده را معتبر شمرده‌اند و در نقطه مقابل برخی با تکیه بر این مسئله که پیش از ثبوت حق مانند حق شهادت، امکان تحقق عقد رهن نخواهد بود.

از این رو در فقه اهل سنت شافعی‌ها و حنبلی‌ها رویکرد نزدیکی به مشهور فقیهان امامیه دارند و وثیقه‌گذاری برای دیون آینده را نمی‌پذیرند؛ زیرا رهن وثیقه حق است و قبل از ثبوت حق، وثیقه گرفتن برای آن امری نامعقول و بی‌معناست؛ اما حنفی‌ها و مالکی‌ها همگام با دیدگاه اقلیت فقیهان امامیه رهن دین آینده را می‌پذیرند؛ با این توجیه که دین آینده را در هنگام رهن به منزله دین موجود فرض می‌کنند تا راه چاره‌ای برای جواز رهن مزبور باشد و نیاز قرض گیرنده مرتفع شود.

۴. دیدگاه حقوق ایران

۴-۱. قانون مدنی

با اخذ ملاک از ظاهر ماده ۶۹۱ قانون مدنی می‌توان یکی از شرایط صحت عقد رهن را موجود بودن حق یا دست کم موجود بودن سبب آن دانست؛ از این رو منطبق بر این امر، دادن رهن برای دین آینده باطل است؛ مگر اینکه سبب آن موجود باشد؛ همچنین وفق مواد ۷۷۱ و ۷۷۵ قانون مدنی، رهن برای دین آینده محل تأمل و ایراد است؛ برای مثال دادن رهن برای وامی که در آینده تحویل می‌گیرد، منطبق بر این ماده باطل است. البته مطالعه حقوق موضوعه ایران نشان می‌دهد که قانون مدنی مقرر صریحی در این مسئله وضع نکرده است. هرچند با عنایت به این سکوت و مقررات تعلیق در عقود در فرض تراضی متعاقدين دلیلی بر بطلان توثیق نسبت به دیون آینده وجود نخواهد داشت. منطبق

بر این امر، دادن رهن برای دین آینده باطل است؛ مگر اینکه سبب آن موجود باشد. البته در قوانین خاص می‌توان مواردی را یافت که مبتنی بر توثیق دین احتمالی آینده وضع شده‌اند؛ برای مثال مقررات مربوط به تأمین خسارات ناشی از دادرسی و تأمین اجرای حکم غیابی که در ماده ۱۰۹ و تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است؛ همچنین مواد ۶۷ و ۱۱۴ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت نیز درباره انتخاب اعضای هیئت مدیره که براساس همین مسئله تصویب شده‌اند.

برخی حقوقدانان با اعتقاد به بطلان وثیقه برای دین آینده بر این باورند که رهن برای دینی که هنوز سبب آن به وجود نیامده است، باطل است؛ زیرا رهن عقدی تبعی است که برای وثیقه‌دادن در برابر عین انجام می‌گیرد؛ پس اگر دینی وجود نداشته باشد، عقد رهن فاقد مبنا است. هرچند ایشان نسبت به دینی که سبب آن ایجاد شده، رویکرد متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۶۷؛ بیات، ۱۳۹۷، ص ۴۸۸؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۳۱۳). در توجیه این دیدگاه می‌توان به دلایل متعدد دیگری تمسک کرد؛ از جمله:

۱. برخلاف عقد ضمان، قانونگذار به کفایت وجود سبب دین برای انعقاد عقد رهن تصریحی نکرده است؛ از این رو بنا به تغایر عقد ضمان و رهن، اتخاذ ملاک از ماده ۶۹۱ قانون مدنی منتفی است (امامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۵۳)؛ زیرا عقد ضمان عقد وثیقه‌ای انتقالی است؛ درحالی که در رهن، دین اصلی همچنان بر ذمه مدیون اصلی باقی است و تنها یکی از اموال مدیون اصلی یا شخص ثالث، متعلق حق عینی داین می‌گردد.

۲. نسبت به دیون مبتنی بر عقود جائز، به‌رغم اینکه به طور کامل بر ذمه مستقر شده است، اما نمی‌توان از رهن استفاده کرد؛ زیرا چه‌بسا دین با فسخ عقد از بین برود و حکمت رهن زایل گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۷۵)؛ از این رو نسبت به دیونی که در ذمه هنوز ثابت نشده و قرار است در آینده ثابت گردد، به طریق اولی امکان وثیقه‌گذاری منتفی است.

۳. لحن ماده ۷۷۵ قانون مدنی، صحت رهن را به موردی منحصر می‌کند که مال در ذمه باشد (امامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۵۳). این ماده مقرر می‌دارد: «برای هر مالی که در ذمه باشد، ممکن است رهن داده شود؛ ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است، قابل فسخ

باشد». مقصود از عبارت «در ذمه بودن دین»، یعنی ثبوت دین به نحو کامل در ذمه؛ از این رو منطبق بر این مقرر و وجود سبب کافی برای انعقاد عقد رهن نخواهد بود؛ بلکه به طریق اولی وثیقه گذاری برای دین آینده کافی نیست.

نسبت به دلایل بطلان، این گونه می توان پاسخ داد که با توجه به قاعده تبعیت رهن از دین، عقل با تکیه بر وقایع مادی و محسوس، ایجاد تابع بدون متبوع را غیرممکن می داند؛ در حالی که قراردادها امور اعتباری هستند و قیاس امور اعتباری به امور مادی تا زمانی که بر دلیل منطبق نباشد، صحیح نیست. عقود توثیقی، هر چند ماهیتی تبعی دارند و وجود آنها براساس دین است؛ اما این بدین معنا نیست که تنها در صورت وجود دین در عالم خارج محقق می شوند؛ بلکه عرف برای تحقق آنها فرض وجود دین در آینده را هم کافی می داند و حکم به صحت توثیق دیون آینده می کند؛ به بیان دیگر برای تحقق مفهوم تبعیت در رابطه با حقوق توثیقی تصور دین کافی است و به تصور و تصدیق آن در عالم خارج نیازی نیست؛ بنابراین اگر دوطرف مال را وثیقه دینی قرار دهند که در آینده ایجاد می شود، تبعی بودن مفهوم رهن و توثیق نقض نخواهد شد؛ زیرا به هر حال وثیقه در وجود و زوال تابع دین مقدری است که در آینده به وجود می آید (محلّی، ۱۳۹۶، صص ۱۶۰-۱۶۱).

نسبت به ادله دیگر نیز این گونه پاسخ داده می شود که باید به ماهیت این عقود توجه کرد که تشریح آنها براساس تضمین و توثیق است. همچنان که بیان شده است، ماده ۶۹۱ قانون مدنی مبتنی بر ایجاد رابطه حقوقی به جهت تحقق سبب دین است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۶۹؛ دلشاد، ۱۳۹۵، ص ۹۴). در عقد ضمان که ناقل ذمه است، تحقق سبب کفایت در صحت ضمان می نماید؛ بدین معنا که برای تحقق ضمان، فرض سبب آن کافی است. در عقد رهن نیز که انتقال ذمه نیست و صرفاً یکی از اموال شخص متعلق حق عینی طلبکار می گردد، به بیان دیگر هدف عقد رهن ایجاد وثیقه برای شخص طلبکار است تا در صورت انجام ندادن تعهدات شخص مدیون، بتواند از این اموال استفاده کند؛ بنابراین استناد نکردن به ملاک ماده یادشده، برای صحت عقد به دور از منطبق حقوقی است؛ همچنین برخی فقیهان به اشتراط ثبوت دین در ذمه قایل شده اند (علامه حلّی، ۱۴۱۴ق، ج ۳،

ص ۳۷۷؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۶؛ کاشف الغطاء، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۴. به اعتقاد عده‌ای تزلزل دین مانع انعقاد عقد رهن نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۹)؛ بنابراین سخن از زوال حکمت رهن توجیهی ندارد؛ به‌ویژه اینکه مطابق انتهای ماده ۷۷۵ قانون مدنی، قابلیت فسخ رهن که همان تزلزل است، مانعیتی در انعقاد رهن ندارد.

۲-۴. رویه قضایی

بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که اخذ رهن برای دین احتمالی آینده صحیح نیست؛ همچنان که در رأی دادگاه به شماره دادنامه ۱۵۱۷/۲۲۳۳۰۲۲۹۷۰۹۳۰ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ به این مسئله اشاره شده است. در بخشی از رأی دادگاه بدوی آمده است: «از آنجاکه به موجب تعریف قانونی، رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به رهن می‌دهد و بعد از برائت ذمه مدیون مرتهن حقی نسبت به عین مرهونه نخواهد داشت؛ بنابراین برای دین احتمالی آینده یا دین غیرمنجز امکان به رهن گرفتن مال وجود ندارد».^۱ این رأی در دادگاه تجدید نظر نیز تأیید شده است.^۲

آرای دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به‌صراحت وثیقه‌دادن برای دیون آینده را صحیح نمی‌داند؛ مانند رأی دادنامه شماره ۰۹۰۳/۲۲۲۵۰۹۳۰ در تاریخ ۱۴/۰۷/۱۳۹۳ که به‌صراحت این مسئله را رد می‌کند. در بخشی از این رأی آمده است: «... عقد رهن، تبعی است؛ بدین معناست که پیش از آن باید دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین آن مالی به وثیقه داده شود (مستفاد از مواد ۷۷۱ و ۷۷۵ قانون مدنی) و وثیقه‌دادن برای دیون آینده در حقوق ایران امکان ندارد و وجود سبب دین شرط صحت رهن است؛ بنابراین معطوفاً به تسویه تسهیلات مرتبط با سند شماره ۱۰۳۰-۱۱/۰۳/۱۳۷۹ دفترخانه شماره ... حوزه ثبتی تهران دادگاه دعوی را واجد وجاهت قانونی...»^۳؛ از این رو رویه محاکم و دادگاه‌ها نیز تبعیت از نگاه

1. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10969>.

2. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10969>.

3. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10317>.

مشهور میان فقیهان و حقوقدانان بوده و اخذ وثیقه نسبت به دین احتمالی را مردود می‌دانند.

۵. دیدگاه برگزیده

بر صحت وثیقه‌گذاری برای دین آینده می‌توان دلایلی بیان داشت که در ادامه به تحلیل آنها پرداخته می‌شود:

۱-۵. اعتباری بودن عقد رهن

عقد رهن جزو عقودی است که عقلاً آن را برای اطمینان در معاملات و روابط اقتصادی خویش وضع کرده‌اند تا به مطالبات خود در موعد مقرر برسند یا از تحصیل آن اطمینان داشته باشند؛ براین اساس با تنقیح مناط از عقد ضمان که اعتبار دین موجود بالفعل در ذمه و نقل آن از ذمه مضمون عه به ضامن صحیح است و اعتبار دین آینده ممکن الحصول نیز به دلیل کم‌هزینه بودن صحیح است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۲۸۱). در رهن نیز می‌توان گاهی به اعتبار دین موجود وثیقه‌گذاری کرد و گاهی به اعتبار دینی که حصول آن در نزد عقلاً قابل پیش‌بینی است؛ از این رو وقتی شخص می‌خواهد وامی بگیرد، نخست اقدام به پرداخت وثیقه می‌کند؛ با این توجیه که اگر نتوانست دین را در موعد بپردازد، از محل وثیقه دین وصول گردد. این مسئله هیچ محذوریت عقلی و عرفی در پی ندارد؛ بنابراین می‌توان رهن را واجد وجودی مشکوک و ذومراتب تلقی کرد که گاهی وثیقه‌گذاری در برابر دین موجود فعلی است و گاهی برای دین در معرض وجود است؛ از این رو دیون آینده در چارچوب قسم دوم قابل توجیه است.

۲-۵. کفایت وجود مقتضی رهن

ممکن است بیان شود که وثیقه‌گذاری برای دیون آینده نوعی رهن «مال می‌یجب» است. پاسخ این است که چون مقتضی دین وجود دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۷ق، مسئله ۳۸)، به‌ویژه عرف معاملات و قراردادی امروزی آن را تحقق‌پذیر و در معرض وجود می‌داند، مشمول عموماً بوده و صحیح است؛ هرچند به دقت عقلی مال می‌یجب

باشد؛ زیرا امور شرعی بر دقت عقلی مبتنی نیست (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۲۸۴). همچنین وقتی بیان می‌شود وثیقه برای دین آینده، به معنای این نیست که تحقق رهن و وثیقه‌گذاری پس از تحقق دین و به صورت معلق خواهد بود؛ زیرا اگر به نحو معلق است، دیگر ضمان ما لم یجب نیست؛ چون ما لم یجب، یعنی چیزی که وجوب نداشته باشد؛ در حالی که در واجب معلق وجوب فعلی و واجب استقبالی است و این محال نیست.

اشکال این است که نفس واجب معلق است که معقول نیست و نمی‌توان آن را پذیرفت. واجب معلق همیشه مشروط است؛ بر این اساس نمی‌توان این نوع از وثیقه‌گذاری را از قبیل واجب معلق دانست و آن را رهن ما لم یجب تلقی و باطل کرد و از سوی دیگر آن را رهن ما لم یجب دانست؛ ولی با مسئله واجب معلق مقایسه کرد.

۳-۵. تمسک به قواعد عام اولیه و ثانویه

می‌توان به عموم ادله مانند «اوفوا بالعقود» و «الزعیم غارم» و اصل جواز معاملات مسلمانان، ضرورت و نیاز مسلمانان به چنین قراردادهایی، مصلحت و وجود سبب دین استناد کرد.

این مسئله با وحدت ملاک و تنقیح مناط از کلام برخی فقیهان دریافت می‌شود؛ برای مثال محقق اردبیلی در صحت ضمان عهده، به نیاز و ضرورت تمسک می‌کند و می‌گوید: با توجه به نیاز مردم به چنین ضمانی، صحیح است؛ زیرا لازمه صحیح نبودن چنین ضمانی تعطیلی برخی معاملات است و حال آنکه در غالب موارد معامله با غریبه‌ها ضروری و مورد نیاز است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۹۷). محقق ثانی نیز می‌گوید: «ولعل تجویز ضمانه لعموم البلوی و دعاء الحاجه و إطباق الناس علی ضمان العهده» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۲۶). صاحب کتاب بلغة الفقیه نیز در این زمینه به کثرت وقوع و نیاز به چنین قراردادهایی در اثبات صحت آن تمسک می‌کند (بحر العلوم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۴۲). این مسئله در رهن نیز مصداق دارد و وثیقه‌گذاری برای دیون آینده در قراردادهای امروزی، به‌ویژه اعطای وام قرض الحسنه بسیار کاربرد دارد و موجب رونق این سنت

حسنة (وام) می‌شود؛ زیرا وام‌دهنده، یعنی بانک به وصول مطالبات خود اطمینان دارد و این موضوع موجب رونق بازار و افزایش اعطای تسهیلات به افراد در جهت رشد اقتصاد و فقرزدایی است و به رفع بیکاری کمک بسیاری می‌کند.

در متون فقهی اهل سنت نیز در برخی موارد از ضمان دین آینده به ضرورت و نیاز تمسک کرده‌اند؛ مانند جواز اخذ وثیقه از فروشنده‌ای که شناخته شده نیست (خطیب شریینی، ۲۰۰۹م، ص ۲۰۰). برخی حقوقدانان نیز در این زمینه بیان داشته‌اند مواردی که به عنوان قاعده اضطرار (مقررات تازه) تلقی به قبول می‌شوند؛ مانند ضمان عهده مبیع و ثمن که نص خاصی ندارد و فقیهان اسلام اعم از امامیه و اهل سنت آشکارا بیان می‌دارند که این قسم ضمان محل نیاز و اضطرار مردم است؛ زیرا در گذشته که اسناد رسمی و نظام اداری نیرومند در معاملات با غریبه‌ها و مانند آنها وجود نداشت؛ از این رو نیاز به وثیقه داشتند که اگر مبیع یا ثمن مستحق للغير در آید، تکلیف صاحب عوض روشن شود؛ به این ترتیب که ثالثی ضامن شود که عین عوض را بگیرد و به صاحب آن رد کند. از این رو فقیهان می‌گویند حاجت عمومی مانند اضطرار است و مورد حاجت را مشروع می‌گرداند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۹).

نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد درباره وثیقه‌گذاری برای دیون آینده دو نگاه کلی وجود دارد. مشهور فقیهان آن را باطل دانسته‌اند؛ در حالی که برخی به صحت آن قایل‌اند. قانون مدنی نیز مقررۀ خاصی در این مسئله وضع نکرده است؛ هرچند با توجه به سکوت و مقررات تعلیق در عقود در فرض ترازی متعاقدین دلیلی بر بطلان توثیق نسبت به دیون آینده وجود ندارد. البته در قوانین خاص مواردی مبتنی بر توثیق دین احتمالی آینده وضع شده است؛ مانند مقررات تأمین خسارات ناشی از دادرسی و تأمین اجرای حکم غیابی که در ماده ۱۰۹ و تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون «آیین دادرسی مدنی» ذکر شده است. رویه قضایی هم با تبعیت از مشهور فقیهان، وثیقه‌گذاری نسبت به دیون آینده را نمی‌پذیرد.

این پژوهش پس از بررسی مبانی برخی دیدگاه‌ها معتقد است با توجه به هدف علم حقوق که حفظ نظم و عدالت اجتماعی است، بایستی همراه و همگام با ضرورت‌های اجتماعی امروزی باشد. توثیق دیون آینده به عنوان یک ضابطه صحیح در نظام حقوقی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا اشخاص برای اطمینان خاطر از معاملات خود، به وثیقه در روابط معاملاتی خود نیاز دارند. این امر، افزون بر حفظ تعادل قراردادی و ثبات قراردادی، انگیزه سرمایه‌گذار را بیشتر می‌کند. در وثیقه با توجه به اعتباری، عرفی و عقلایی بودن آن و وجود مقتضی، دلیلی بر اشتراط ثبوت دین وجود ندارد و این مسئله مشمول عمومات و اطلاعات عقود می‌شود.

بر اساس مطالبی که بیان شد یک مقرر قانونی به قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود مبنی بر اینکه «توثیق دیون آینده بر اساس اصول عدالت و حفظ تعادل قراردادی در روابط معاملاتی مجاز است. اشخاص می‌توانند در روابط قراردادی خود از وثیقه برای اطمینان خاطر استفاده کنند. در توثیق دیون آینده، افزون بر احترام به ضوابط و مقررات عام، دلیل منطقی بر اشتراط ثبوت دین لازم نیست و مشمول عمومات و اطلاعات عقود است. این مقرر با هدف حفظ نظم و عدالت اجتماعی، تشویق به سرمایه‌گذاری و ایجاد ثبات در روابط تجاری تنظیم می‌شود».

این مقرر قانونی می‌تواند چونان پایه قانونی برای توثیق دیون آینده عمل کند و با توجه به اصول حقوق و ضرورت‌های اجتماعی، به تعادل در قراردادها و اطمینان خاطر در روابط تجاری کمک کند.

فهرست منابع

۱. آملی، محمدتقی. (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی. تهران: بی‌نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دارالفکر.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الأذهان (ج ۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. أفندی، خواجه أمين. (بی‌تا). درر الحکام فی شرح مجلة الأحکام (ج ۴). بی‌نا: موقع الإسلام.
۵. امامی، سیدحسن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی (ج ۲، چاپ هجدهم). تهران: انتشارات اسلامی.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). رسالة فی منجزات المریض. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۷. الأنصاری، زکریا. (۱۴۲۲ق). أسنى المطالب فی شرح روض الطالب (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. البایرتی، الشیخ جمال الدین الرومی. (بی‌تا). العناية شرح الهدایة (ج ۱۰). بیروت: دارالفکر.
۹. البهوتی، صلاح الدین ابن حسن بن إدريس. (بی‌تا). الروض المربع شرح زاد المستقبح. [بی‌جا]: دار المؤید - مؤسسه الرساله.
۱۰. الحنبلی، علی بن سلیمان المرادوی دمشقی الصالحی. (بی‌تا). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. الحنفی، ابن نجیم. (بی‌تا). البحر الرائق شرح كنز الدقائق (ج ۶). بیروت: دار المعرفه.
۱۲. الدسوقی، محمد عرفه. (بی‌تا). حاشية الدسوقی علی الشرح الكبير (ج ۳). بیروت: دارالفکر.
۱۳. الرفعی، أبو القاسم: العزیز. (۱۴۱۷ق). شرح الوجیز المعروف بالشرح الكبير (ج ۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. الرملى، شهاب الدین. (۱۴۰۴ق). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج (ج ۴). بیروت: دارالفکر.
۱۵. الزییدی، محمد الحدادی العبادی. (۱۳۲۲ق). الجوهرة النيرة (ج ۱). [بی‌جا]: المطبعة الخيرية.

۱۶. السرخسی، أبي سهل. (۱۴۲۱ق). المبسوط للسرخسی (ج ۲۱). بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۷. المقدسي، ابن قدامة. (۱۳۸۸ق). المغني لابن قدامة. مصر: مكتبة القاهرة.
۱۸. المقدسي، محمد بن قدامة الجماعيلي. (۱۴۱۴ق). الكافي في فقه الإمام أحمد. دمشق: دار الكتب العلمية.
۱۹. النووي، ابى زكريا يحيى بن شرف (۱۴۰۵ق). روضه الطالبين وعمده المفتين (ج ۴). بيروت: المكتب الإسلامى.
۲۰. الهليل، صالح بن عثمان بن عبدالعزيز. (۲۰۰۱م). توثيق الديون فى الفقه الاسلامى، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلاميه، عربستان سعودى.
۲۱. بحر العلوم، سيد محمد. (۱۴۰۴ق). بلغة الفقيه. تهران: نشر مكتبة الصادق.
۲۲. بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة (ج ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲۳. بروجردى عبده، محمد. (۱۳۸۰). حقوق مدنى. تهران: مجد.
۲۴. بيات، فرهاد، بيات، شيرين. (۱۳۹۷). شرح جامع قانون مدنى. تهران: انتشارات ارشد.
۲۵. جعفرى لنگرودى، محمد جعفر. (۱۳۷۰). حقوق مدنى: رهن - صلح. تهران: گنج دانش.
۲۶. جعفرى لنگرودى، محمد جعفر. (۱۳۹۶). فن استدلال منطق حقوق اسلام. تهران: گنج دانش.
۲۷. حائرى، سيد على بن محمد طباطبايى. (۱۴۱۸ق). رياض المسائل فى تحقيق الأحكام بالدلائل (ط - الحديثه)، (ج ۹). قم - ايران: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۸. حسینی سيستانی، سيد على. (۱۴۱۵ق). منهاج الصالحين (ج ۲). قم: مكتبة آيت الله العظمى السيد السيستانی.
۲۹. حسینی شیرازی، سيد صادق. (۱۴۲۵ق). التعليقات على شرائع الإسلام (ج ۱). قم: انتشارات استقلال.
۳۰. حكيمى، حسين. (۱۳۹۶). بررسى رهن مال آينده در حقوق موضوعه. پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه آزاد اسلامى واحد بندر انزلى، دانشكده علوم انسانى.

۳۱. حلبی، ابن زهره و حمزه بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۲. حلبی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ج ۱۳). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۳. حلبی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. محقق حلبی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۵. حلبی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
۳۶. خطیب شریینی، محمد بن احمد. (۲۰۰۹م). مغنی المحتاج الی معرفه شرح ابی المنهاج. بیروت: دارالفکر.
۳۷. خوانساری، رضی الدین محمد بن حسین. (۱۳۱۱). تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۸. دلشاد، ابراهیم. (۱۳۹۵). عقد رهن: مبانی فقهی - تحولات تقنینی. تهران: میزان.
۳۹. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (ج ۲۰ و ۲۱). قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
۴۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (بی تا). جامع الأحكام الشرعیه. قم: مؤسسه المنار.
۴۱. محقق سبزواری. (۱۴۲۳ق). کفایة الأحكام (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. شهید اول. (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۵ش). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.
۴۴. صالحی مازندرانی، محمد. (۱۴۰۰). امکان سنجی ضمانت از دین آئنده در فقه و حقوق ایران. حقوق اسلامی، ۱۸(۷۱)، صص ۷۹-۱۰۱.
۴۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۷ق). عروة الوثقی. قم: میثم تمار.

۴۶. طباطبایی، سیدعلی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۴۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (ج ۲). تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۴۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (چاپ: چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۹. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۴ق). رسائل الشهید الثانی (ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۰. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۴). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۵۱. عبدی فرد، آزاده. (۱۳۹۹). موضع نظام فقهی و حقوق کنونی در مورد رهن و رهن اموال آینده. سومین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی. روان شناسی و مشاوره.
۵۲. عراقی، آقا ضیاءالدین. (۱۳۸۶). المحاضرات فی فقه الرهن (مقرر میرزا هاشم آملی). قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۳. عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکات‌ها. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۵۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ط-الحديثه) (ج ۱۳). قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۵۵. عمانی، ابن ابی عقیل. (۱۴۱۳ق). حیاة ابن ابی عقیل و فقهه (چاپ اول). قم: مرکز المعجم الفقهی.
۵۶. الغیتابی، حسین. (۱۴۲۰ق). البنایه شرح الهدایه (ج ۱۲). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ق). ترتیب کتاب العین. قم: اسوه.
۵۸. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسه دارالهجره.
۵۹. حسینی روحانی قمی، سیدصادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام (ج ۲۰). قم: دار الکتب- مدرسه امام صادق علیه السلام.

۶۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). حقوق مدنی: عقود معین (ج ۴). تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
۶۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵ق). حقوق مدنی: عقود مدنی - وثیقه‌های دین (ج ۴، چاپ پنجم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶۲. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر نجفی. (۱۴۲۲ق). انوار الفقاهه: کتاب الرهن (چاپ اول). نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۶۳. کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی نجفی. (۱۳۶۶ق). وجیزه الاحکام (ج ۳، چاپ دوم). نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۶۴. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). إصباح الشیعه بمصباح الشریعه (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶۵. محقق بحرانی. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره (ج ۲۰، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۶. محقق کرکی، شیخ نورالدین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۶۷. محلی، محمد. (۱۳۹۶). نظریه وثیق عینی در فقه امامیه و حقوق ایران. رساله دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران: دانشکده حقوق.
۶۸. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا. (۱۳۷۱). هدایه العباد. قم: دارالقرآن الکریم.
۶۹. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا. (۱۴۱۳ق). کتاب القضاء. قم: دارالقرآن الکریم.
۷۰. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (ج ۲۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۱. واسطی، محب الدین. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۷۲. جمعی از نویسندگان. (۱۴۲۷ق). الموسوعة الفقهية الكويتية (ج ۲۳). الكويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیه.

<https://shamela.ws/book/11430>

۷۳. وحدتی شبیری، سیدحسن؛ عبدی پور، ابراهیم؛ محقق داماد، سیدمصطفی و قنواتی، جلیل. (۱۳۸۸). حقوق قراردادها در فقه امامیه (ج ۱، چاپ دوم). تهران: سمت.
۷۴. یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبایی. (۱۴۲۸ق). العروة الوثقی مع التعليقات (ج ۲). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

75. <https://saanei.xyz/?view=01,02,10,2130,0>

References

1. A group of Authors. (2006). *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyyah al-Kuwaitiyyah* (Vol. 23). Kuwait: Ministry of Awqaf and Islamic Affairs. [In Arabic]
2. Abdi Fard, A. (2020). *The Position of the Current Legal System on Mortgage and Future Property Mortgage*. Third National Conference on Law, Social Sciences and Humanities, Psychology and Counseling. [In Persian]
3. Afandi, K. A. (n.d.). *Durar al-Hukkam fi Sharh Majallat al-Ahkam* (Vol. 4). N.p.: Mawqi' al-Islam. [In Arabic]
4. Al- Moqadasi, M. (1994). *Al-Kafi fi Fiqh al-Imam Ahmad*. Damascus: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
5. Al-Ansari, Z. (2001). *Asna al-Matalib fi Sharh Rawd al-Talib* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
6. Al-Babarti, J. (n.d.). *Al-Inayah Sharh al-Hidayah* (Vol. 10). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
7. Al-Bahuti, S. (n.d.). *Al-Rawd al-Murabba Sharh Zad al-Mustaqni'*. Dar al-Mu'ayyad - Mu'assasat al-Risalah. [In Arabic]
8. Al-Dasuqi, M. A. (n.d.). *Hashiyat al-Dasuqi 'ala Sharh al-Kabir* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
9. Al-Ghitabi, H. (1999). *Al-Binayah Sharh al-Hidayah* (Vol. 12). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
10. Al-Halil, S. (2001). *Documentation of Debts in Islamic Jurisprudence*. Imam Muhammad bin Saud Islamic University, Saudi Arabia. [In Arabic]
11. Al-Hanafi, I. N. (n.d.). *Al-Bahr al-Ra'iq Sharh Kanz al-Daqa'iq* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
12. Al-Hanbali, A. (n.d.). *Al-Insaf fi Ma'rifat al-Rajih min al-Khilaf*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
13. Allamah Helli, H. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha* (New ed., Vol. 13). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
14. Al-Moqadasi, I. Q. (1968). *Al-Mughni li-Ibn Qudamah*. Egypt: Maktabat al-Qahirah. [In Arabic]

15. Al-Nawawi. (1984). *Rawdat al-Talibin wa-'Umdat al-Muftin* (Vol. 4). Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
16. Al-Rafi'i, A. al-Q. (1996). *Sharh al-Wajiz al-Ma'ruf bi-al-Sharh al-Kabir* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
17. Al-Ramli, S. d. (1983). *Nihayat al-Muhtaj ila Sharh al-Minhaj* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
18. Al-Sarakhsi, A. S. (2000). *Al-Mabsut li-al-Sarakhsi* (Vol. 21). Beirut: Dar al-Fikr li-al-Tibaa wa-al-Nashr wa-al-Tawzi'. [In Arabic]
19. Al-Zabidi, M. (1904). *Al-Jawharah al-Nayirah* (Vol. 1). Al-Matba'ah al-Khayriyyah. [In Arabic]
20. Amani, I. A. (1992). *The Life and Jurisprudence of Ibn Abi Aqil* (1st ed.). Qom: Center for Jurisprudence Encyclopedia. [In Arabic]
21. Ameli, Shahid Thani, Z. b. A. (1992). *Masalik al-Afham ila Tamhah Shara'i' al-Islam* (Vol. 4). Qom: Islamic Knowledge Institute. [In Arabic]
22. Ameli, Shahid Thani, Z. b. A. (1993). *Rasa'il al-Shahid al-Thani* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
23. Amoli, M. T. (1960). *Misbah al-Huda fi Sharh Urwat al-Wuthqa*. Tehran: N.p. [In Arabic]
24. Ansari, M. (1995). *Risalah fi Manjazat al-Marid*. Qom: International Congress for Commemoration of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
25. Araqi, A. Z. (2007). *Lectures on the Jurisprudence of Mortgage (Reported by Mirza Hashem Amoli)*. Qom: Islamic Sciences Publishing Center. [In Persian]
26. Ardabili, A. b. M. (1983). *Majma' al-Fa'ida wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 9). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
27. Aridhi, A. b. J. (1988). *Masa'il Ali b. Ja'far wa Mustadrakat'ha* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
28. Bahr al-Ulum, S. M. (1984). *Bulghat al-Faqih*. Tehran: Nashr Maktabat al-Sadiq. [In Arabic]

29. Bahrani, Y. (1984). *Al-Hada'iq al-Nadirah fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah* (Vol. 20). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
30. Bayat, F., & Bayat, S. (2018). *Comprehensive Commentary on the Civil Code*. Tehran: Arshad Publications. [In Persian]
31. Boroujerdi Abdo, M. (2001). *Civil Law*. Tehran: Majd. [In Persian]
32. Delshad, E. (2016). *Mortgage Contract: Jurisprudential Foundations - Legislative Developments*. Tehran: Mizan. [In Persian]
33. Emami, S. H. (1997). *Civil Law* (Vol. 2, 18th ed.). Tehran: Islamiyah Publications. [In Persian]
34. Farahidi, K. b. A. (1994). *Tartib Kitab al-'Ayn*. Qom: Aswa. [In Arabic]
35. Fayoumi, A. b. M. (1993). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i*. Qom: Dar al-Hijrah Institute. [In Arabic]
36. Haeri, S. A. (1998). *Riyad al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bi-al-Dala'il* (New ed., Vol. 9). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
37. Hakimi, H. (2017). *Examining the Mortgage of Future Property in Positive Law*. Master's Thesis, Islamic Azad University, Bandar Anzali Branch, Faculty of Humanities. [In Persian]
38. Halabi, I. Z., & Hosseini, H. (1996). *Ghaniyat al-Nuzu' ila 'Ulum al-Usul wa-al-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
39. Helli, H. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 13). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
40. Helli, I. I. (1991). *Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawi* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
41. Helli, Y. b. S. (1984). *Al-Jami' li-al-Sharai'*. Qom: Sayyid al-Shuhada Institute. [In Arabic]
42. Hosseini Rouhani Qomi, S. S. (1991). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 20). Qom: Dar al-Kitab - Imam Sadiq School. [In Arabic]
43. Hosseini Shirazi, S. S. (2004). *Commentaries on the Sharia of Islam* (Vol. 1). Qom: Istiqlal Publications. [In Arabic]

44. Hosseini Sistani, S. A. (1994). *Manhaj al-Salihin* (Vol. 2). Qom: Maktabat Ayatollah al-Uzma al-Sayyid al-Sistani. [In Arabic]
45. Ibn Manzur, M. b. M. (1994). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
46. Jafari Langaroudi, M. J. (1991). *Civil Law: Mortgage - Settlement*. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
47. Jafari Langaroudi, M. J. (2017). *The Art of Reasoning in Islamic Legal Logic*. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
48. Kadeeri, Q. (1995). *Isbah al-Shi'ah bi-Misbah al-Shari'ah* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
49. Kashif al-Ghita', H. (2001). *Anwar al-Fiqhah: Kitab al-Rahn* (1st ed.). Najaf: Kashif al-Ghita' Institute. [In Arabic]
50. Kashif al-Ghita', M. (1947). *Wajizat al-Ahkam* (Vol. 3, 2nd ed.). Najaf: Kashif al-Ghita' Institute. [In Arabic]
51. Katouzian, N. (1997). *Civil Law: Designated Contracts* (Vol. 4). Tehran: Nashr Publishing in collaboration with Bahman Borna Co. [In Persian]
52. Katouzian, N. (2006). *Civil Law: Permission Contracts - Debt Securities* (Vol. 4, 5th ed.). Tehran: Sahami Publishing Company. [In Persian]
53. Khateeb Sherbini, M. (2009). *Mughni al-Muhtaj ila Ma'rifat Sharh Abi al-Minhaj*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
54. Khwansari, R. (1932). *Takmilat Mashariq al-Shumus fi Sharh al-Durus*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
55. Mahalli, M. (2017). *The Theory of Collateral Security in Imami Jurisprudence and Iranian Law*. PhD Dissertation, Farabi Campus, University of Tehran: Faculty of Law. [In Persian]
56. Mousavi Golpayegani, S. M. R. (1992). *Hidayat al-'Ibad*. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
57. Mousavi Golpayegani, S. M. R. (1993). *Kitab al-Qada'*. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]

58. Muhaqqiq Bahrani. (1984). *Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-Itrah al-Tahirah* (Vol. 20, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
59. Muhaqqiq Helli, N., J. b. H. (1987). *Shara'i' al-Islam fi Masail al-Halal wa-al-Haram* (Vol. 2). Qom: Isma'ilian Institute. [In Arabic]
60. Muhaqqiq Karaki, N. (1993). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (2nd ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
61. Muhaqqiq Sabzewari. (2002). *Kifayat al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
62. Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam* (Vol. 25). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
63. Sabzewari, S. A. (1992). *Mudhhab al-Ahkam* (Vols. 20 & 21). Qom: Al-Manar Institute - Office of Ayatollah. [In Arabic]
64. Sabzewari, S. A. (n.d.). *Jami' al-Ahkam al-Shar'iyyah*. Qom: Al-Manar Institute. [In Arabic]
65. Salehi Mazandarani, M. (1981). Feasibility of Guaranteeing Future Debt in Iranian Jurisprudence and Law. *Islamic Law*, 18(71), pp. 79-101. [In Persian]
66. Shahid Awwal. (1993). *Ghayat al-Murad fi Sharh Nukat al-Irshad* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
67. Shahidi, M. (2006). *Formation of Contracts and Obligations*. Tehran: Majd. [In Persian]
68. Tabataba'i Yazdi, S. M. (2006). *Urwat al-Wuthqa*. Qom: Maytham Tammar Publications. [In Arabic]
69. Tabataba'i, S. A. (1998). *Riyad al-Masa'il* (Vol. 9, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
70. Tusi, A. M. b. H. (1967). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 2). Tehran: Al-Maktabah al-Murtadawiyyah li-Ihya' al-Athar al-Ja'fariyyah. [In Arabic]
71. Tusi, A. M. b. H. (1987). *Tahdhib al-Ahkam* (4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
72. Wahdati Shobeiri, S. H., AbdiPour, E., Mohaqqiq Damad, S. M., & Qanavati, J. (2009). *Contract Law in Imami Jurisprudence* (Vol. 1, 2nd ed.). Tehran: Samt. [In Persian]

73. Waseti, M. (1993). *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus* (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
74. Yazdi, S. M. K. (2007). *Al-'Urwat al-Wuthqa Ma'a Al-Ta'aliqat* (Vol. 2). Qom: Imam Ali b. Abi Talib School Publications. [In Arabic]
75. <https://saanei.xyz/?view=01,02,10,2130,0>.